

فرهنگ نامه زیارت

جواد محدثی

چکیده

زیارت به معنای دیدار کردن بزرگان دین، با نیت مذهبی و عزیمت ظاهری یا باطنی به مکان‌های مذهبی است که پیروان یک دین برای اقامه یک فریضه دینی یا تکریم، تعظیم و یا تقرب به پیشوای مذهبی انجام می‌دهند. این آیین در بیشتر مذاهب وجود دارد و در شیعه نیز مورد تأکید و تعظیم بزرگان دین قرار گرفته است. از نگاه مذهب تشیع، دیدار از مشاهد مشرفه امامان معصوم و انجام دادن اعمال مخصوص و حتی سلام دادن به ایشان از راه دور، زیارت به شمار می‌آید و از پاداش اخروی برخوردار است. این اعمال ویژه، چنان فراوان و گسترده است که برشمردن همه آنها نیازمند یک دایرةالمعارف یا فرهنگ‌نامه تخصصی است. نویسنده این سری مقالات، شماری از واژگان، اصطلاحات، مکان‌ها و موضوعات مرتبط با زیارت و مزارها را توضیح داده و به ترتیب الفبا تا کلمه «کربلا» پیش رفته است و تلاش می‌کند در این نوشتار، کار خود را ادامه دهد و در شماره‌های بعد نیز این امر مهم را به انجام رساند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ‌نامه، زیارت، امامان معصوم.

کشیک

کشیک به معنای پاسبان، نگهبان و نوبت دار است.^۱ نگهبانی و مراقبت از حرم‌ها و مکان‌های زیارتی را «کشیک» گویند که کار بخشی از خادمان زیارتگاه‌هاست و نوبتی انجام می‌گیرد. اصل کشیک، واژه‌ای ترکی و به معنای پاسبان است. در پادگان‌ها و سربازخانه‌ها هم، کشیک خانه وجود دارد.

به زمان و مکان معین شده‌ای که خدام حرم در آن جا خدمت می‌کنند نیز کشیک گفته می‌شود و به محلی که کشیک چیان در آن اقامت و استراحت می‌کنند، کشیک خانه گفته می‌شود.

تحویل کشیک به نگهبانان بعدی، آیین و مراسم خاصی دارد. یکی از مراسم با شکوه حرم رضوی که هر صبح، ساعتی پس از طلوع آفتاب و پس از مراسم صبحگاهی انجام می‌گیرد، آیین تحویل کشیک است. این آیین با تمام شدن زمان کشیک قبل و فرا رسیدن نوبت کشیک بعدی، انجام می‌شود. خادمان و دربانان و فراشان دو کشیک، با احترام و خضوع، رو به روی یکدیگر در دو صف می‌ایستند و پس از خطبه‌ای در ستایش خداوند و ثنای ائمه علیهم‌السلام و یاد حضرت امام رضا علیه‌السلام و امام زمان (عج)، خدام، سجده شکر می‌کنند و افراد دو نوبت کشیک، با هم مصافحه می‌کنند (به واژه‌های خادم افتخاری، خدام و سدنه مراجعه شود).

کعبه

کعبه، خانه خدا، بیت الله و جایگاه مقدسی است که قبله مسلمانان است و از زمان حضرت آدم علیه السلام مورد زیارت قرار می گرفت و چون آثار آن محو شده بود، حضرت ابراهیم علیه السلام به کمک فرزندش، اسماعیل علیه السلام پایه های آن را بالا آورد و بازسازی کرد؛ «و اذا یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل»^۲

در قرآن کریم دو بار از کعبه با همین واژه یاد شده و بارها با عنوان «بیت» از خانه کعبه یاد شده است.^۳

خداوند، کعبه را «بیت الحرام» و وسیله قیام و استواری برای مردم قرار داده است؛ «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس»^۴. زیارت خانه خدا، از با فضیلت ترین زیارت ها و کعبه و مسجد الحرام از مقدس ترین مزارها می باشند. شیخ صدوق می نویسد: چون این بنای کهن و عتیق، به شکل مکعب و چهار گوش است، به آن «کعبه» گفته شده است.^۵

این بنای ساده سنگی، زادگاه امام علی علیه السلام نیز بوده است.^۶ از این رو، به آن حضرت، «فرزند کعبه» هم گفته شده است و این نکته در ادبیات و اشعار، بازتاب فراوانی یافته است که به یک مورد اشاره می شود:

این خانه را باید خدا، یک روز معماری کند
 آدم بنایش بر نهد، نوحش پرستاری کند
 و آنکه خلیلش با پسر، تا سقف حجاری کند
 آن یک درو بابش نهد، و آن نقش و گچ کاری کند
 هر یک ز آباء رسول، پس خانه سالاری کند
 کامروز کاندرا خانه اش، یک میهمانداری کند
 وز این گرامی میهمان، امری عجب جاری کند
 پس نقشه های ماسلف، بد بهر این زیبا خلف^۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله کعبه را اولین مسجدی می داند که روی زمین بنا شده و آن را یکی از چهار خانه ای که گرامی ترین خانه ها در روی زمین است، به شمار آورده و زمین آن را برگزیده ترین موضع از این کره خاکی دانسته است^۸ (به واژه «خانه خدا» در این سلسله مقالات مراجعه شود).

کفشداری

کفشداری: محل نگه داری کفش. در مساجد، حرم‌ها و زیارتگاه‌ها و خانه‌های بزرگان، کسانی به عنوان «کفشدار» از کفش‌های زوار نگه‌داری می‌کنند؛ تا آنان به زیارت بروند. این کار، نوعی احترام به شمار می‌رود. معمولاً شخصیت‌های محترم، خادمی به همراه دارند که مراقب کفش‌های آنان و جفت کردن کفش پیش پای آنان است و به او کفش جفت کن گویند.

به قسمتی از مکان‌های مقدس که کفش‌های مراجعین و زائران در قفسه‌هایی در آن جا نگه داری می‌شود، «کفشداری» و به زبان عربی «کشوانیه» گفته می‌شود. بعضی هم به عنوان تکریم زائران، به صورت افتخاری در کفشداری خدمت می‌کنند. این کار، علاوه بر تکریم زائر، حرم‌ها، مساجد و مکان‌ها را هم از گردو غبار و آلودگی‌های کفش‌ها حفظ کند.

کفشداری حرم رضوی، بیش از ۱۸۰۰ نفر کفشدار ثابت و سیار و اتاق انوار دارد که در دو نوبت ۱۲ ساعته و ۸ کشیک، از کفش‌های زائران نگه داری می‌کنند. پذیرش کفش‌های زائران با ادب و احترام، حفظ نظافت و طهارت محدودۀ کفشداری محل خدمت، حفظ نظم و آرامش در محل کفشداری، ارائه راهنمایی‌های لازم به زائران و همچنین نگه داری و مرتب کردن قرآن‌ها و کتاب‌های دعا در مکان‌های مخصوص، وظایفی هستند که کفشداران با افتخار آنها را انجام می‌دهند.^۹

به کفشداران، کفشبان، باشماق‌چی و کفش بردار هم گفته می‌شود.

کلید دار

کلیدار، کسی است که کلید را نگه می‌دارد. در مکان‌های مذهبی، کارخانه‌ها، تیمچه‌ها، بازارچه‌ها و قصرها، کلیدهای قسمت‌های مختلف را به کسی می‌سپارند که امین و هوشیار باشد و باز و بسته کردن درهای این مکان‌ها را در آغاز و پایان روز، بر عهده گیرد.

کسی را که در حرم‌ها و مکان‌های مقدس و زیارتی نگهداری کلید ضریح یا خزانه در دست او باشد، کلید دار گویند و این، منصب مهمی بوده است و در مورد کعبه مقدس پیش از اسلام هم منصب کلیدداری خانه خدا وجود داشته است و برای دودمانی که نسل در نسل این سمت را داشتند، افتخار به شمار می‌آمده است. یکی از منصب‌های قریش، مقارن

ظهور اسلام، «حجابت» و «سدانت»، یعنی دربانی، کلید داری، خادمی و پرده داری بوده است.^{۱۰}

در روز فتح مکه نیز پیامبر خدا ﷺ کلید کعبه را از عثمان بن ابی طلحه گرفت؛ در کعبه را گشود و وارد آن شد و دو رکعت نماز خواند و پس از سخنانی که در عفو و گذشت از قریش بر زبان آورد، دوباره کلیددار در کعبه را خواست و کلید کعبه را به او داد و او را در همان منصب، ابقا کرد.^{۱۱}

در حرم حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، کلید داری، منصب ریاست بر خدام و آستانه به شمار می‌رود. این سمت، از دوران پیش از اسلام باقی مانده که اجداد پیامبر ﷺ در مکه، کلید دار و مسئول آب دادن به حجاج و میهمانداری از زائران بوده‌اند. در کربلا، از دوست سال پیش، خاندان آل طعمه به کلید دار معروف بودند و تولیت حرم امام حسین (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) را بر عهده داشتند که بعدها در تولیت حرم حسینی انحصار یافت و «آل کلیددار»، عهده دار این منصب شدند که تا همین اواخر ادامه داشت.

سید عبدالحسین کلید دار آل طعمه، مولف «بغیه النبلاء فی تاریخ کربلا»،^{۱۲} و سید سلمان آل طعمه از بزرگان همین خاندان است.

گلدسته

به مناره‌های بلندی که در مساجد، حرم‌ها و زیارتگاه‌ها ساخته می‌شود و بر فراز آن اذان گفته می‌شد، گلدسته یا مناره و مأذنه می‌گویند. اغلب گلدسته‌ها به صورت زوج

در حرم حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، کلید داری، منصب ریاست بر خدام و آستانه به شمار می‌رود. این سمت، از دوران پیش از اسلام باقی مانده که اجداد پیامبر ﷺ در مکه، کلید دار و مسئول آب دادن به حجاج و میهمانداری از زائران بوده‌اند.

و در دو طرف گنبد و ایوان ساخته می‌شوند که یا رو به قبله قرار دارند و یا در یک خط ممتد به صورت عرضی در خط قبله قرار می‌گیرند و گاهی هم مساجدی با یک گلدسته ساخته می‌شوند. حرم پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و مسجد الحرام در مکه، دارای گلدسته‌های متعدد و بلندی هستند. این مناره‌ها از آثار هنری و تاریخی به شمار می‌روند. از آن جا که گلدسته با معماری خاص و تزیینات کاشی کاری و نور و روشنایی ساخته می‌شد و از فراز آن هم نغمه دل نشین اذان و قرآن و مناجات به گوش می‌رسید و نغمه خوان اذان، همچون بلبل بر فرار آن نام خدا را با صدای رسا اعلام می‌کرد، تشبیه به یک دسته گل معطر شده و «گلدسته» نامیده شده است.

خوش نغمه موذنان چو بلبل گلدسته به رنگ دسته گل^{۱۳}

گنبد

به سقف مدور و برجسته‌ای که از خشت، گل، آجر، سیمان و آهن یا مصالح دیگر ساخته می‌شود، «گنبد» گویند که مترادف با قبه است که حالت نیم کره دارد و تجلی مفهوم آسمان است. سقف‌های بسیاری از مساجد و حرم‌ها و برج‌های قدیمی و برخی معابد و کلیساها، گنبدی شکل می‌باشند و به آسمان نیز گنبد کبود و گنبد دوار گویند.

زیارتگاه‌ها اغلب گنبدی دارند که کاشی کاری یا طلا کاری است. قبه الخضراء، به گنبد سبز رنگ مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گفته می‌شود و به برج‌ها و مقبره‌هایی که روی قبور بعضی از بزرگان و مشاهیر است نیز گنبد و بارگاه گفته می‌شود.

در تحلیل ذوقی و عرفانی درباره گنبد مساجد و معابد و حرم‌ها، آسمان به طور نمادین به فضای مسقف مساجد متصل می‌شد و اتصال گنبد به فضای مربع زیرین، نمادی از اتصال آسمان به زمین و ناسوت به لاهوت است و نیز بیان معمارانه این امر است که در اسلام، عالم ماده و معنی، متصل و پیوسته به یکدیگرند.

از آن جا که گنبد، نماد آسمان است، گنبد معابد، مقابر، مساجد بزرگ، تالارهای غسل تعمید، تالارهای مجالس ترحیم و قبه‌های کوچک، اغلب به صورت تصاویر آسمان، فرشتگان، ستاره‌ها و پرندگان، ارابه خورشید و غیره مرصع یا زینت می‌شوند. این تزیینات، بنا را به صورتی آسمانی در تمام کائنات عرضه می‌کنند. گنبد که اغلب بر پایه ای مربع قرار

می‌گیرد، خطوط منحنی و خطوط مستقیم پایه را به هم می‌آمیزد و نماد وحدت آسمان و زمین است.^{۱۴}

هنرمندان در تحلیل فلسفه به کارگیری شکل گنبد و ایوان‌های قوسی در معابد و مکان‌های مذهبی و ایوان‌ها و رواق‌های مساجد و زیارتگاه‌ها، حرف‌های خوبی دارند.^{۱۵}

متولی

به سرپرست، عهده دار و کسی که عهده دار امور حرم و زیارتگاه و دارای اختیار تام در امور مکان‌های مقدس و زیارتی باشد، متولی و تولیت گفته می‌شود. معمولاً متولی امور حرم‌ها و زیارتگاه‌ها، حکومت و یا سازمان اوقاف است (در این مورد، در واژه «تولیت»، توضیح مفصل‌تری داده شده است).

مجاور

مجاور به کسی گفته می‌شود که در یک شهر زیارتی، سکونت دارد و مجاور و در جوار آن جاست و در مقابل زائر و مسافر است که از جای دیگر به زیارت آمده است. زائر و مجاور، معمولاً با هم به کار برده می‌شوند. اقامت در شهرهای مقدس، امری پسندیده است. از این رو، برخی افراد در مکه، مدینه، نجف، کربلا و مکان‌های مذهبی دیگر، ساکن می‌شوند. به کسی که مقیم شهر مکه شده باشد و در جوار حرم امن الهی به سر برد، «جار الله» گفته می‌شود که به معنای همسایه خداست و به سکونت در سرزمین‌های مقدس و شهرهای زیارتی، «مجاورت» گفته می‌شود (ر.ک: جارالله):

محراب

محراب، جایی خاص در مساجد و معابد است که برای نماز و عبادت ساخته می‌شود و امام جماعت در آن جا به نماز می‌ایستد. این مکان، حالت فرورفتگی در دیوار دارد و دارای قوس و طاق و برخورد از کاشی کاری و نقش و نگار و تذهیب و مزین به آیات قرآن یا اسما الله است و مرکز توجه نمازگزاران در عبادت‌های جمعی است. برخی از لغت‌شناسان گفته‌اند: محراب را از آن جهت محراب گویند که محلّ جنگ و ستیز امام جماعت با شیطان و هوای نفس است.^{۱۶}

برخی هم گفته‌اند: انسان در محراب، باید «حریب» باشد؛ یعنی عاری از اشتغالات دنیوی و پریشانی فکر و اندیشه و عده‌ای نیز معتقدند که محراب در اصل به معنای صدر مجلس در خانه است؛ پس صدر مسجد را هم محراب گفته‌اند.^{۱۷} امام خمینی نیز فرموده است: «مساجد، سنگ‌های اسلام است. محراب، حرب است. اینها سنگ‌رند برای اسلام.^{۱۸} در هنر مسلمان، اهمیت ویژه‌ای به معماری محراب در مساجد داده می‌شود و صنعت کاران، شاهکار صنعت خود را در محراب نشان می‌دهند و گاهی سنگ‌های قیمتی در آن به کار می‌رود که سراسر محراب را می‌پوشاند. معروف‌ترین محراب‌ها توسط به سلاطین عثمانی در مدینه و در حرم مطهر نبی گرامی ایجاد شدند.^{۱۹} محراب، «سندگویایی از نهایت استعداد هنر هنرمندان مسلمان و مجموعه‌ای از بسیاری هنرها و خلاقیت‌ها، از گچ بری تا خط و کاشی کاری و دیگر رشته‌های هنر تزئینی است. به یقین، هنرمندان مسلمان، با ایمان و مخلص، نیک آگاه بوده‌اند که محراب را چونان دری گشوده شده به بهشت، در پیش چشم نماز گزاران بر پا نمایند و تزئین کنند».^{۲۰}

در برخی زیارتگاه‌ها، محراب‌های خاصی که پیشینه‌ای مقدس و خاطره آمیز دارد، مورد توجه زائران قرار می‌گیرند و برای نماز خواندن در آنها یا تبرک به این گونه آثار باقی مانده از قرون گذشته، اهتمام و علاقه نشان می‌دهند؛ مانند محراب حرم پیامبر ﷺ در مسجد النبی (مدینه) یا محراب مسجد کوفه که محل عبادت و ضربت خوردن حضرت امیر علیه السلام در آن جاست و یا محراب تهجد در مسجد النبی که محل نماز شب حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است. محرابی که کنار منبر پیامبر و معروف به «محراب سلیمانی» است، در سال ۹۷۴ قمری ساخته شده است.^{۲۱} در کتاب‌های مربوط به تاریخ بناها و معماری مسلمین، به تصویر صدها محراب بر می‌خوریم که در مناطقی همچون مدینه، عراق، فلسطین، سوریه، اردن، ترکیه، ایران و .. وجود دارند و نمایانگر هنر مسلمین در مکان‌های مقدس و زیارتی می‌باشند.

مدفن

مدفن به محل دفن پیکر یک معصوم، امام زاده، شهید یا یکی از بزرگان دین گفته می‌شود و به آن آرامگاه، مضجع، قبر، مزار و آستان هم گفته می‌شود (برای توضیح بیشتر به واژه «آستان» مراجعه کنید).

مدینه منور

مدینه، شهر مقدسی در حجاز است که حرم پیامبر خدا ﷺ و قبرستان بقیع در آن جا قرار دارد و از مقدس ترین شهرهای زیارتی محسوب می شود. نام قبلی این شهر، «یثرب» بوده که پس از هجرت پیامبر ﷺ به آن، به «مدینه النبی» و بعد به «مدینه» شهرت یافت و به این لحاظ، به آن «دار الهجره» هم گفته می شود.

رسول خدا ﷺ ده سال از عمر شریف خود را در این شهر گذراند و پایه تمدن اسلامی را در آن بنا نهاد و برای سکونت در آن، از مکه به این شهر هجرت کرد و همواره اشتیاق و محبت خود را به این شهر ابراز می کرد و می فرمود:

«لکل نبی حرم و حرمی المدینه»^{۲۲}

هر پیامبری، حرمی دارد و حرم من، مدینه است. روایات فراوانی در فضیلت مدینه نقل شده است. نام های دیگر این شهر عبارتند از: طیبه، طابه، محبوره و مسکینه.^{۲۳}

رسول خدا ﷺ از امت خویش خواسته است که پس از وفاتش، قبر او را زیارت کنند و ثواب های بسیاری برای آن بیان فرموده است.

در مدینه، آثار و مکان های زیارتی متعددی، مانند قبرستان بقیع، قبرستان شهدای احد، مساجد سبعه، مسجد قبا، مسجد ذوقبالتین و مهم تر از همه، مسجد پیامبر ﷺ و مرقد شریف او و روضه نبوی قرار دارند. در قبرستان بقیع نیز قبور بسیاری از صحاب و بزرگان اسلام و خویشاوندان

رقود»، به معنای خوابی دن است و از آن جا که قبر هر کس، محل خواب ابدی او تا برپایی قیامت است، به مدفن امامان و عالمان و شهی دن، مرقد گفته می شود.

حضرت رسول ﷺ و قبور مطهر امام حسن مجتبی امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام وجود دارند که مسلمانان با اشتیاق به زیارت آنها می‌شتابند.

مرقد

مرقد به معنای آرامگاه و مدفن است و ریشه «رقود»، به معنای خوابیدن است و از آن جا که قبر هر کس، محل خواب ابدی او تا بر پایی قیامت است، به مدفن امامان و عالمان و شهیدان، مرقد گفته می‌شود؛ همچنان که به آن، مضجع، مزار، آستان و تربت هم می‌گویند. در قرآن کریم هم از زبان کسانی که در رستاخیز از گورهای خویش بر می‌خیزند، چنین نقل شده است: وای بر ما! چه کسی ما را از مرقدهایمان برانگیخت. این همان چیزی است که خدا وعده داده بود و رسولان راست می‌گفتند؛ «من بعثنا من مرقدنا».^{۲۴}

بر سر در حرم‌های امامزادگان یا بزرگان دین یا روی ضریح آنان، بیشتر از کلمه مدفن یا مرقد استفاده شده است؛ همچون «مرقد هود و صالح» در وادی السلام و مرقد کمیل بن زیاد و میثم تمار.

ادامه دارد...

پی‌نوشت‌ها:

۱. لغت نامه دهخدا.
۲. بقره، آیه ۱۲۷.
۳. همان، آیه ۱۲۵ و ۱۸۵؛ آل عمران آیه ۹۶ و ۹۷؛ حج آیه ۲۶، ۲۹ و ۲۳؛ قریش، آیه ۳.
۴. مائده، آیه ۹۷.
۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰.
۶. در «الغدیر» ج ۶، ص ۲۲ روایات آن در حدّ تواتر نقل شده است.
۷. شمس اصطهباناتی؛ در مورد انعکاس این موضوع در اشعار فارسی، ر.ک: فصلنامه میقات حج، شماره ۳۴، زمستان ۷۹ به قلم نویسنده.
۸. ر.ک: محمدی ری شهری، الحج و العمره الکتاب و السنه، ص ۷۶.
۹. راهنمای جامع اماکن متبرکه، ص ۶۰.
۱۰. محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۳۶.
۱۱. همان، ص ۵۶۹.
۱۲. ر.ک: فصلنامه فرهنگ زیارت، شماره ۱۰ و ۱۱ (ویژه نامه کربلای معلی).
۱۳. لغت نامه دهخدا.
۱۴. حرم در واژه‌ها، ص ۴۳؛ به نقل از افق آینده، ج ۲، ص ۴۴۵؛ فرهنگ نمادها، ج ۴، ص ۷۵۳.
۱۵. ر.ک: جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، فصل ۱۲.
۱۶. طریحی، مجمع البحرین، واژه حرب.
۱۷. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، ص ۲۶۸.
۱۸. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۸.
۱۹. سیدرضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۲، ص ۱۱۸.
۲۰. فصلنامه هنر، وزارت ارشاد، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۲۱. علی اکبر حسنی، سیری در اماکن سرزمین وحی، ص ۲۸.
۲۲. الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۳۰۴.
۲۳. همان.
۲۴. یس، آیه ۵۲.